

کالبد شکافی جنبش مصر

حبيب الله ابوالحسن شيرازى

دانشيار و عضو هيات علمى دانشكده علوم سياسى دانشگاه آزاد اسلامى واحد تهران مركزى، گروه علوم سياسى، تهران - ايران

مينا رسولى

دانش آموخته كارشناسى ارشد رشته علوم سياسى، دانشكده علوم سياسى دانشگاه آزاد اسلامى واحد تهران مركزى

تاريخ دريافت: ۱۳۹۰/۳/۱۳

تاريخ پذيرش: ۱۳۹۰/۴/۲۵

چکیده

جنبش مردم مصر در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ تحت تأثیر حرکت مردمی تونس صورت گرفت و در طی چند ماه توانست سرنوشت حکومت حسنی مبارک را مشخص نماید. جنبشی که اعتراضی علیه فقر، فساد، بیکاری، دیکتاتوری و عدم احترام به قانون بود. از بارزترین علل جنبش مردم مصر می توان به وضعیت نابسامان اقتصادی، عدم توسعه سیاسی و نقش فزاینده ی ارتباطات و تکنولوژی اشاره داشت. فقر و مشکلات اقتصادی گسترده به همراه اقتدارگرایی دولت و فضای بسته، امنیتی و استبدادی دولت حسنی مبارک زمینه و بسترهای مناسب اعتراضات مردمی و فضای دموکراسی خواهی را ایجاد نمود و منجر به انباشت بحران در جامعه مصر شد.

با بررسی تحولات اخیر در کشور مصر چنین استنباط می گردد که این جنبش از اعمال لایه های جامعه مصر برخاسته و هویت معترضان به رغم اشتراک آن ها در نفی وضعیت اقتصادی سیاسی حاکم، در قالب احزاب و گروه های شناخته شده موجود نمی گنجد و در چهارچوب آن ها تعریف نمی شود.

جنبش مردم مصر از دغدغه های داخلی مصر نشأت گرفت و اعتراض گسترده اما تا حد ممکن مسالمت آمیز به سیاست ها و خط مشی های رسمی مصر بود. در این مقاله سعی بر آن شده است تا مولفه ها و علل جنبش مردم مصر در سطح داخلی جامعه مصر مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

واژه های کلیدی: جنبش، مصر، حسنی مبارک، مردم، دموکراسی.

مقدمه

در ماه‌های اخیر شاهد تحولات گسترده‌ای در منطقه خاورمیانه بودیم، موج اعتراضات گسترده بسیاری از کشورهای عربی منطقه را فراگرفت و در هرکدام سمت و سوی متفاوت ایجاد کرد. از جمله این کشورها، کشور مصر بود. جنبش ۲۰۱۱ مصر که در جهان عرب به انقلاب ۲۵ ژانویه مشهور است، طی چندماه سرنوشت حکومت حسنی مبارک را روشن ساخت و لریزه بر اندام کاخ دیکتاتوری اعراب انداخت. این اعتراضات با الهام از موفقیت جنبش مردم تونس علیه فقر، بیکاری، فساد، دیکتاتوری و عدم احترام به قانون نشأت گرفت. آنچه که در تونس رخ داد جرقه‌ای بود تا آتش خشم مردم مصر را نیز شعله‌ور سازد و ملت مصر هم برای تغییر رژیم و تغییر شرایط با یکدیگر متحد شوند و بپاخیزند. مردمی که درباره‌ی آنان گفته می‌شد مردمانی مطیع به حساب می‌آیند. نجیب محفوظ نویسنده مصری می‌گوید: «در دره هموار و باریک نیل حس مخالفتی وجود ندارد، چرا که هر مخالفتی به راحتی دیده می‌شود و راه فراری هم وجود ندارد» (مهرنامه، ۱۳۸۹، ۳۵).

با بررسی تحولات روی داده در مصر درمی‌یابیم که این جنبش از اعماق لایه‌های جامعه مصر برخاسته است و هویت معترضان در قالب احزاب و گروه‌های شناخته شده موجود نمی‌گنجد. اعتراضاتی که نشان از رشد آگاهی‌های سیاسی مردم مصر دارد. این جنبش با رویکردی متفاوت همچون جنبش‌های دیگر در کشورهای منطقه، خواهان ثبات و رفاه اقتصادی بهتر، امنیت، صلح، آرامش، رعایت کرامت و شأن انسانی، حاکمیت فرآیندهای قانونی است که این مطالبات نشان از نوعی رویکرد واقع‌گرایانه است و دیگر مانند گذشته از رنگ و بوی ایدئولوژیک و آرمانی برخوردار نیست و ارتباط معناداری با رشد و پیشرفت تکنولوژی و ارتباطات و فرآیند جهانی شدن دارد.

مرور رویدادهای سیاسی و اقتصادی در مصر نشان می‌دهد که نابسامانی امور اقتصادی و سیاسی باعث احساس سرخوردگی روزافزون مردم از بهبود اوضاع موجود شده است که در این میان حوادث و تحولات روی داده در تونس احساس خودباوری و اعتماد به نفس را در میان مردم مصر و دیگر مناطق خاورمیانه به وجود آورده است. چنانچه شاهد بودیم که اعتراضاتی که در مصر صورت گرفت توسط یا به دعوت هیچ یک از احزاب و گروه‌های مهم رسمی و غیر رسمی صورت نگرفت و تظاهرات روز سه شنبه ۲۵ ژانویه «روز خشم» در مصر بنابه دعوت جنبش جوانان ۶ آوریل انجام شد و برای برگزاری تظاهرات ضددولتی در روز خشم حدود ۸۷

هزار نفر به صورت اینترنتی اعلام آمادگی نمودند. در نتیجه احزاب و گروه‌هایی چون اخوان المسلمین، ناصریست‌ها، الغد، الوفد و جمعیت ملی تغییر و جمعیتی از تمامی گروه‌ها و طبقات مصری دنباله‌رو حرکتی شدند که از درون جامعه مصر ریشه گرفته بود و سرانجام مردم مصر پیروز این میدان شدند و توانستند خواسته‌های فروخورده‌ی خود را بعد از سالیان متمادی دوران استبدادی حسنی مبارک بیان کنند.

روز شمار و هسته‌های تشکیل دهنده جنبش مردم مصر

جنبش مردم مصر در روز ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ به دنبال حرکت مردمی تونس آغاز و در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ در پی استعفای حسنی مبارک از مقام ریاست جمهوری به پایان رسید. هسته اولیه جنبش مردم مصر را طیف‌های مختلف مردم و به خصوص جوانان مصری تشکیل دادند؟ از جمله حرکت ۶ آوریل که متشکل از حدود ۱۰۰ هزار جوان است که در سایت فیس بوک با هم ارتباط برقرار کرده و نقش مهمی را در جنبش بازی کردند. با گذشت زمان احزاب و گروه‌های سازماندهی شده نیز به مردم پیوستند و در این میان جنبش اخوان المسلمین در میانه راه هدایت جنبش را به دست گرفت. چرا که یکی از سازمان یافته‌ترین گروه‌ها و تشکیلات در مصر است که در میان مردم از نفوذ بالایی برخوردار است. اخوان المسلمین در سال ۱۹۲۸ در شهر اسماعیلیه مصر به رهبری حسن البناء بنیان نهاده شد. در آغاز به عنوان یک سازمان اجتماعی کار خود را آغاز نمود، انجام اقداماتی چون تبلیغ اندیشه‌های اسلامی، آموزش بی سوادان، ساخت و ساز بیمارستان و حتی شرکت‌های تجاری. بعد از ترور حسن البناء، اخوان المسلمین با اندیشه رسیدن به اهداف خود با توسل به ابزارهای خشونت آمیز و تروریسم مخالفت کرد. بعد از قتل حسن البناء، بنیان‌گذار اخوان المسلمین حسن الهضیبی دومین رهبر این جنبش، بیش از ۲۰ سال، آن را رهبری نمود. طی این دوره او با انتقادات زیادی از سوی اعضای اخوان المسلمین روبه‌رو شد. به دنبال انقلاب جولای ۱۹۵۲، الهضیبی جمال عبدالناصر را به خاطر انعقاد قرارداد ۱۹۵۴ مصر و انگلیس خائن دانست و اخوان دست به ترور نافرجام ناصر زد که بعد از این اقدام، فعالیت‌های اخوان به صورت زیر زمینی درآمد. در سال ۱۹۸۷ اخوان وارد فعالیت‌های سیاسی شد و تعدادی از نمایندگان آن توانستند وارد پارلمان شوند. اخوان المسلمین نقش بسیار بزرگی را در جنبش ۲۰۱۱ مردم مصر که به سرنگونی حسنی مبارک از قدرت انجامید، دارا بود و در بیانیه‌ای اعلام نمود که با حکومت مذهبی مخالف است چرا که آن را مغایر با اسلام می‌داند و

خواسته آن برپایه حکومت مدنی با مرجعیت اسلام است. اخوان همچنین اعلام نمود که خواسته آنها هم‌راستا با خواست معترضان در میدان التحریر است. اخوان المسلمین با تغییر جو سیاسی پس از حملات ۱۱ سپتامبر و مطرح شدن مسأله دموکراسی در دنیای عرب، رویه فعالیت‌های خود را تغییر دادو به عنوان سازمان یافته‌ترین و مهم‌ترین اپوزسیون وارد معاملات سیاسی در مصر شدند.

از روزهای پرحادثه آن دوران می‌توان از روزهای ۲۵ ژانویه، روز خشم، که اولین فراخوان برای اعتراضات توسط جنبش جوانان ۶ آوریل داده شد، همچنین روز ۲۸ ژانویه که مسیحیان قبطی دیوارانسانی برای حمایت از هموطنان مسلمان خود حین برگزاری نماز جمعه تشکیل دادند، که در این روز مبارک کابینه خود را منحل کردو ارتش مصر را وارد میدان کردو نهایتاً روز ۱۱ فوریه که عمر سلیمان استعفای حسنی مبارک را از مقام ریاست جمهوری و انتقال زمام امور به دست ارتش را اعلام نمود، نام برد.

جنبش‌های اجتماعی

اگر به پیروی از تعریف وسیع فرهنگ واژگان آکسفورد از جنبش اجتماعی، در وهله نخست آنرا جریان مجموعه‌ای از کنش‌ها و تلاش‌ها از سوی مجموعه‌ای از افراد تعریف کنیم که به شکلی کم‌و بیش پیوسته به سمت هدف خاصی حرکت می‌کنند یا به آن گرایش دارند آن را رفتاری اجتماعی می‌بینیم که مانند سایر رفتارها و کنش‌های اجتماعی می‌تواند موضوع مطالعات جامعه‌شناختی قرار گیرد (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۰).

جنبش اجتماعی یکی از انواع رفتارهای جمعی است. رفتار جمعی پاسخ‌دهی از مردم به یک وضعیت یا مسئله‌ای خاص است.

این رفتارها در جامعه به شکل‌های گوناگون تجلی می‌یابد و تنها یکی از آنها به شکل «جنبش اجتماعی» است. اگر فقط با معیار «میزان سازماندهی» رفتارهای جمعی را بر روی یک طیف به چهار منطقه تقسیم کنیم، آنگاه بهتر می‌توانیم جای «جنبش‌های اجتماعی» را در میان سایر شکل‌های رفتار جمعی مشخص کنیم. همانطور که در شکل زیر دیده می‌شود، جنبش‌های اجتماعی آن نوع رفتار جمعی هستند که مابین انواع رفتارها «بوروکراتیک» و «انقلابی» قرار می‌گیرند. با این ویژگی که از اولی کمتر و از دومی بیشتر سازماندهی شده است. همچنین، جنبش‌ها از رفتارهای جمعی بدون سازمان مانند شورش‌های خیابانی فاصله می‌گیرند.

پس منظور از جنبش‌های اجتماعی آن نوع رفتار جمعی است که دارای سازماندهی است و عده زیادی از افراد از طریق آن در پی تحقق هدف یا اهدافی هستند. (جلائی پور، ۱۳۸۱: ۲۰-۱۹).
به طور کلی می‌توان هشت نوع جنبش اجتماعی را برشمرد:

جنبش نمایشی

هنگامی که افراد خود را در وضعیت مایوس‌کننده‌ای می‌بینند، جنبش نمایشی پدید می‌آید. افرادی که در جنبش اجتماعی نمایشی شرکت می‌کنند می‌خواهند به مردم بگویند که نگرش آنان نسبت به واقعیت اجتماعی تغییر یافته است، اما خود عملاً این واقعیت را دگرگون نمی‌سازند. جنبش هیپی‌گری از این گونه است.

جنبش واپسگرا (ارتجاعی)

جنبش واپسگرا تلاش می‌کند که جامعه را به وضعیت گذشته بازگرداند و در واقع، زمان را به عقب برگرداند. افرادی که به این جنبش‌ها می‌پیوندند، آشکارا از رویه‌های جاری اجتماعی ناراضیند. «جنبش‌های ضد مهاجرت» و «جنبش‌های نژادپرستی» نمونه‌ای از جنبش واپسگرا هستند.

جنبش‌های ترقی خواهانه

جنبش ترقی خواهانه جنبشی است که تلاش می‌کند با ایجاد تغییرات مثبت در نهادها و سازمان‌ها وضع جامعه را بهبود بخشد. جنبش‌های کارگری و جنبش‌های طرفدار حفظ محیط زیست از این دست جنبش‌ها هستند.

جنبش محافظه کار

این جنبش مرکب از افرادی است که از وضع موجود راضی‌اند و در برابر نوآوری‌ها مقاومت می‌کنند. جنبش محافظه کار تلاش می‌کند از تغییر در جامعه جلوگیری کند. افرادی که از این نوع جنبش طرفداری می‌کنند وضعیت موجود جامعه را مطلوب‌ترین وضعیت می‌دانند.

جنبش اصلاح طلب

این جنبش تلاش می‌کند که برخی از شئون جامعه را تغییر دهد، بدون این‌که قصد دگرگون کردن جامعه را داشته باشد. جنبش صلح سبز در اروپا، جنبش ضد تبعیض نژادی در آمریکا و جنبش سرخپوستان آمریکا، نمونه‌هایی از جنبش‌های اصلاح طلب است.

جنبش انقلابی

این نوع جنبش خواستار تغییر سریع و بنیادی در جامعه است. هدف جنبش انقلابی سرنگون

کردن نظام حاکم و جایگزین ساختن یک نظام دیگر است. نمونه این جنبش را در انقلاب روسیه که طومار نظام تزارها را درهم ریخت و نظام سوسیالیستی را در این کشور برپا کرد، می‌توان مشاهده کرد. (کوئن، ۱۳۷۸: ۴۰۸ - ۴۰۶).

جنبش آرمانگرا

این نوع جنبش کوششی است به منظور ایجاد محیط اجتماعی ایده‌آل برای گروه کوچک پیروان آن. جنبش‌های آرمانی گاهی به جنبش‌های انزواطلب یا جدایی‌طلب اطلاق می‌شود. به عنوان مثال در دهه ۱۹۶۰، اجتماعی تحت عنوان اجتماع خودبسای روستایی در ایالات متحده آمریکا به وجود آمد و محبوبیت کسب کرد.

جنبش کوچنده

افرادی که به این نوع جنبش می‌پیوندند، از وضع موجود زندگی‌شان ناراضی هستند و به امید زندگی و آینده روشن‌تر از محل سکونتشان به مکانی دیگر نقل مکان می‌کنند. مهاجرت یهودیان سراسر جهان به فلسطین نمونه‌ای از جنبش اجتماعی کوچنده است. (کاظمی‌دینان، ۱۳۸۸، ۱۲۴-۱۲۲).

دکتر هرایر دکمیجان در کتاب جنبش‌های اسلامی در جهان عرب از محیط عربی - اسلامی با عنوان محیط بحران یاد می‌کند و معتقدات که جهان اسلام، بیش از دو قرن شاهد بحران اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و از همه مهم‌تر روحی بوده است. با از هم پاشیدگی خلافت عثمانی، نخبگان ناسیونالیست عرب خود را در برابر دو وظیفه دیدند: اول رهایی از کنترل اروپا و کسب استقلال و دوم ارائه یک برنامه ایدئولوژیک برای استقرار حکومت قانونی. با برآورده شدن این دو خواسته، به رشد بحران افزوده شد. مشکلات اقتصادی و اجتماعی عمیق‌تر گشت و این بحران از نظر دکمیجان شش ویژگی دارد:

بحران هویت، جهان اسلام شاهد چالش گروهی از قومیت‌ها (عرب، ترک و فارس) در سطح هویت بوده است، جهان عرب نیز شاهد پراکندگی در سطح هویت بود که جمال عبدالناصر یکپارچگی هویتی را بدان بازگرداند ولی با شکست سال ۱۹۶۷ و مرگ عبدالناصر در سال ۱۹۷۰ میلادی، جهان عرب دستخوش ناآرامی‌ها شد.

بحران مشروعیت: این بحران خود زاییده بحران هویت است، هرچند ماهیتی متفاوت دارد در نتیجه شکست نخبگان حاکم در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، مشروعیت آنان و نهادهای حاکم به سرعت از بین رفت.

فساد و سرکوب در حکومت نخب‌گان: مشروعیت سیستم‌های سیاسی و نخبگان دائماً بر اساس عملکرد رهبران تقویت و تضعیف می‌شود. رهبران عرب، که از یک پایگاه ضعیف مشروعیت برخوردارند، غالباً فاقد «سرمایه سیاسی» اولیه لازم برای در پیش گرفتن سیاست‌های موثری بوده‌اند که ستون‌های سازنده یک نظم عمومی با ثبات به حساب می‌آیند. حتی در جوامعی که شرایط مساعد وجود دارد، اتخاذ سیاست و اجرای آن به طور خودسرانه، غیر مداوم، و در محیطی سرشار از فساد رسمی صورت می‌گرفته است. عجز و قصور مکرر نخبگان در اتخاذ و اجرای سیاست‌های اجتماعی سودمند، به از بین رفتن مشروعیت اندک آن‌ها، و در نتیجه استفاده فزاینده از نیرو یا قهریه و زور برای حفظ کنترل منجر شده است. در حالی که بحران‌های هویت و مشروعیت در وهله نخست بر جنبه‌های روانی و سیاسی جامعه عرب تاثیر می‌گذارد، اعتماد بیش از حد بر سرکوب و فشار بر زندگی روزمره مردم اثر می‌نهد. در دهه‌های اخیر، نخبگان حاکم عرب غالباً از طریق افزایش سرکوب مخالفانی که از به کار گرفتن کانال‌های رسمی آزادی بیان محروم هستند، خود را بر سر قدرت نگاه داشته‌اند. همزمان با این، توانایی سرکوبگرانه این نخب‌گان از طریق کسب مهارت‌های اجرایی و استفاده از پیچیدگی‌های تکنولوژیک افزایش یافته است. این افزایش کمی توانایی‌های سرکوب و کنترل، بیشتر به محیط بحران عربی کمک کرده است. (دکميجان، ۶۵: ۱۳۸۳-۶۴).

تضاد طبقاتی: فساد حکومت‌ها منجر به توزیع ناعادلانه ثروت و افزایش آشکار تفاوت و شکاف بین طبقات اجتماعی شد، شکاف وسیع میان غنی و فقیر یکی از مهم‌ترین جنبه‌های سیاسی محیط بحران عربی است.

ضعف نظامی: در نتیجه تداوم شکست‌های نظامی پیش آمده به استثنای الجزایر، هیچ کشور دیگر عربی در وهله اول از راه نظامی به استقلال نرسید. شکست پی در پی اعراب از اسرائیل که اوج آن در ۱۹۶۷ بود، احساس عمیق‌ترین، ناامنی، و خطر را میان عرب‌ها و مسلمانان ایجاد کرد. ناتوانی آشکار رهبران عرب در پایان دادن به اشغال سرزمین‌های عرب، توسط اسرائیل، مشروعیت فرمانروایی آنان را تضعیف کرد و سرخوردگی، اضطراب و ناامیدی گسترده‌ای را به وجود آورد.

نوسازی و بحران فرهنگی: سیاست نخبگان حاکم که در رؤیای نوسازی خود غرق بودند، به وقوع درگیری میان سنت‌گرایان و تجددگرایان انجامید زیرا سنت‌گرایان از غرب تنها فن‌آوری آن را می‌خواستند و ارزش‌های غربی را رد می‌کردند. این رویارویی منجر به ایجاد شکافی میان

حاکمان و مردم شد. در مقابل تجددگرایان متمایل به تقلید کامل از تئوری و عمل غرب بودند، ولی آنان نیز از ترسیم ایدئولوژی که بتواند خلاء را پر کند، عاجز بودند.

با توجه به برشمردن شش ویژگی اصلی بحران در جهان عرب می‌توان ریشه‌های بحران و جنبش مردم مصر را در عوامل نامساعد اقتصادی و سیاسی جستجو کرد. درخواست‌های معترضان مصری در پانزده روز اعتراضات که در قالب بیانیه، شعار و مصاحبه بیان شد همگی حول محور اقتصادی و سیاسی بوده است. این درخواست‌ها عبارت بودند از، بهبود وضعیت معیشتی و افزایش حداقل دستمزد، کناره‌گیری مبارک از قدرت، تغییر دولت و تشکیل کابینه نجات ملی، ابطال انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ و برگزاری انتخابات جدید، لغو وضعیت فوق‌العاده و آزادی زندانیان سیاسی. (مهرنامه، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷)

شرایط نامناسب و بد اقتصادی و سیاسی به گونه‌ای شده بود که تحمل شرایط برای مردم را غیر ممکن ساخته بود. به لحاظ اقتصادی حدود ۴۰ درصد مصریان کمتر از ۲ دلار در روز در آمد دارند و زیر خط فقر هستند، میزان بیکاری از ۹/۴ درصد در سال ۲۰۰۹ به ۹/۷ درصد در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته بود و میزان تورم که از ۱۱/۹ درصد در سال ۲۰۰۹ به حدود ۷/۶ درصد در ابتدای سال ۲۰۱۰ کاهش یافته بود در پایان سال به ۸/۱۲ درصد بالغ شد. این در حالی است که رشد سالانه جمعیت حدود ۱/۹ و متوسط سنی در این کشور ۲۴ است یعنی اکثریت جمعیت در سن آمادگی به کار قرار دارند. همچنین حاشیه‌ی نشینی در سال‌های اخیر افزایش یافته است به ویژه قاهره غیر از جمعیت ۸ میلیونی خود، دارای حدود ۹ میلیون حاشیه‌نشین است. به همین دلیل است که یک چهارم بودجه سالانه به توزیع یارانه اختصاص می‌یابد. در کنار این وضعیت، میزان سرمایه‌گذاری‌ها و درآمدهای خارجی در سال گذشته افزایش یافته و مصر شاهد رشد اقتصادی قابل توجهی بوده است. شایان ذکر است که میزان سرمایه‌گذاری خارجی حدود ۲۷ میلیارد دلار، رشد اقتصادی دوره‌ی ۲۰۰۹ - ۲۰۰۸ حدود ۷/۴ درصد و رشد دوره‌ی ۲۰۰۸ - ۲۰۰۹ حدود ۵/۸ درصد بوده است. برای سال ۲۰۱۱ نیز رشد ۶ درصدی در نظر گرفته شده بود و مشکل دقیقاً از ناکارآمدی بخش دولتی و فساد گسترده اقتصادی ناشی می‌شود که سبب شده است باز توزیع درآمدها دچار اختلال شود. به همین دلیل، مصر در سال‌های گذشته شاهد اعتراضات اقتصادی وسیعی بوده است. به گونه‌ای که فقط در فوریه ۲۰۱۰ حدود ۴۰ اعتصاب انجام شد. (همان، ص ۱۱۷).

در مصر و دیگر کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه شاهد رشد سریع جوامع شهری هستیم و متعاقب

شهرنشینی نیز نوعی حقوق شهروندی شکل می‌گیرد و فرد خود را حق‌مدار می‌داند، نیز در این جوامع شهری در حال رشد و گسترش که میزان گسترده از جمعیت آن را جوانان تشکیل می‌دهند، تحولات گسترده آموزشی به وجود آمده که نتیجه آن به وجود آمدن چالش جدی است چرا که یک طبقه جدید به نام طبقه متوسط شکل گرفته است که از نظر فرهنگی و توانایی در تعامل با تکنولوژی در سطح بالایی است اما از لحاظ اقتصادی و توانایی مالی در سطح پایینی قرار گرفته است. چرا که هر ساله هزاران نفر در این کشور از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل می‌شوند اما از زمانی که که وارد بازار کار می‌شوند شغل مورد نظر خود را نمی‌یابند و این مسئله آنان را با احساس محرومیت شدیدی روبرو می‌سازد که باعث به وجود آمدن خشم اخلاقی در میان آنان می‌شود که زمینه بروز جنبش‌ها و انقلاب‌ها می‌تواند باشد و این جوانان را به مهم‌ترین بازیگران جنبش‌ها بدل می‌سازد که نمونه‌ی آن پدیده‌ی خودسوزی در تونس و مصر بود که شاهد آن در تحولات اخیر بودیم.

تنگناهای سیاسی

روند دموکراتیزاسیون در کشورهای عربی

در رابطه با روند دموکراتیزاسیون در کشورهای عربی می‌توان اظهار داشت که این کشورها روند و رفتار دوگانه‌ای را به مرحله اجرا درآوردند. بسیاری از این کشورها که در زمان جنگ سرد جزو اقمار شرق یا غرب بودند بعد از فروپاشی نظام دو قطبی و پایان دوران جنگ سرد که امواج دموکراسی‌خواهی جهان را فراگرفت از یک سو با تأکید بر وضعیت منطقه‌ای که همواره بحرانی و امنیتی بود، پیوندهای خود را با قدرت‌های فرامنطقه‌ای تحکیم نمودند تا فشارهای خارجی را تا حد ممکن کاهش دهند و از سویی دیگر به تغییراتی در فضای سیاسی، اجتماعی، داخلی روی آورده و امتیازات محدودی را برای مخالفان در نظر گرفتند، در صورتی که در حقیقت تغییر معناداری در فرآیند سیاست‌گذاری یا حتی ترکیب نخبگان حاکم به وجود نیامد و از این سیاست دوگانه به عنوان سپردفاعی استفاده نمودند تا اندازه‌ای توانستند روند اعتراضات و انتقادات را محدود نمایند. که از تعبیر «شبه اقتدارگرایی» جهت توصیف این رژیم‌ها استفاده شده است. شرط تداوم اقتدارگرایی، وجود شکاف‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است به شرط آنکه این وضعیت چنان نابسامان و ناامیدکننده نباشد که به نارضایتی‌های گسترده‌ای بیانجامد و نیاز به تغییر را موجب شود و به نوعی اشتیاق و امید عمومی را برای تغییر، به یأس و رخوت بدل نماید.

که در این مورد توجه به نکاتی حائز اهمیت می‌باشد و آن فرهنگ سیاسی توده‌هاست که این گونه حکمرانی‌ها را تسهیل می‌نماید و دوم آنکه اغلب فعالان دموکراسی خواه از برقراری ایجاد رابطه‌ای منطقی و عامه فهم با توده‌ها ناتوان هستند و این مفاهیم مورد نظر میان مردم نفوذ نمی‌نماید.

فضای بسته و خفقان آور دوره‌ی حسنی مبارک

از لحاظ سیاسی فضای تاریک و خفقان آور در دوره‌ی مبارک بسترهای مناسبی را برای بسیج مردم و سازماندهی نهضت مردمی ایجاد نمود. این فضای تاریک و بسته سیاسی به خصوص در جریان انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ خود را نشان داد و سرخوردگی مردم را از وضع موجود به وجود آورد. اهمیت این انتخابات از آن جهت بود که جهت گیری انتخابات ریاست جمهوری را در سال ۲۰۱۱ مشخص می‌نمود.

افزایش میزان دستگیری‌ها پیش از انتخابات، اعلام ممنوعیت استفاده از شعارهای مذهبی در زمان تبلیغات که به طور مشخص اخوان المسلمین را هدف قرار داده بود، لغو نظارت قضایی بر صندوق‌های رأی و فشار بر نشریات مستقل، مانند برکنار شدن سردبیر روزنامه مشهور الدستور از جمله اقداماتی بود که نتیجه انتخابات را رقم می‌زد. درحالی که اخوان المسلمین در پارلمان قبلی به رغم همه فشارها و سرکوب‌ها به ۸۸ کرسی دست یافته بود، در این دوره به همراه سایر احزاب و گروه‌های مخالف به ۱۵ کرسی دست پیدا کرد و حزب حاکم توانست با ۴۲۳ کرسی، اکثریت مطلق را از آن خود سازد. برای مقابله با سرخوردگی عمومی و افزایش میزان توجه مردم، تقسیم‌بندی کرسی‌های پارلمانی به پیشنهاد حزب ملی دموکراتیک تغییر کرد و برای نخستین بار ۶۴ کرسی به زنان اختصاص داده شد تا از سویی میزان رأی‌دهی زنان افزایش یابد و از سوی دیگر فشارهای مدنی و اعتراضات سازمان‌های مستقل داخلی و خارجی کاهش یابد. با این حال، مشارکت مردمی کاهش چشمگیری داشت به گونه‌ای که در مرحله نخست انتخابات، ۳۵ درصد و در مرحله دوم، نیز فقط، ۲۷ درصد واجدان شرایط رأی‌دهی در انتخابات شرکت داشتند. یک نظرسنجی اینترنتی پس از انتخابات نشان داد که ۸۷/۵ درصد از پاسخ دهندگان انتخابات را تقلبی دانسته‌اند. البته پیش از انتخابات نیز اقداماتی صورت گرفته بود که نشان می‌داد فعالیت‌های مستقلانه و منتقدانه هزینه زیادی به دنبال دارد، چنانچه ایمن النور، رقیب مبارک، پس از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۵ با اتهام جمع‌آوری امضاهای جعلی روبرو و زندانی شد (همان، ص ۱۱۷)

در واقع مرز میان نظام پادشاهی و جمهوری در این کشور به شدت کم‌رنگ شده و گاه تشخیص آن را مشکل می‌سازد.

تغییر نقش منطقه‌ای مصر

مسئله دیگری که از اهمیت بسزایی برخوردار است، تغییر نقش منطقه‌ای مصر به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کشور عرب منطقه در نقش رهبری جهان عرب در رابطه با اسرائیل می‌باشد. آرمان‌های ملت مصر که زمانی در جهت آرمان‌های ملل عرب بود بعد از صلح کمپ دیوید به نوعی هم‌پیمانی میان مصر و اسرائیل و ایالات متحده آمریکا، به خصوص در دوره حسنی مبارک تبدیل شد. مبارک حاضر بود اتحاد و آمال اعراب و سرنوشت فلسطینیان را در برابر کمک ۱/۵ میلیارد دلاری که سالانه از آمریکا دریافت می‌نمود، فدا کند. در شرایطی که اسرائیلی‌ها در دهه‌ی ۱۹۸۰ و در سال ۲۰۰۶ لبنان را در هم کوبیدند، نیز در قتل عام مردم نوار غزه در زمستان ۲۰۰۹-۲۰۰۸ توسط اسرائیل، حسنی مبارک بسیار منفعل عمل نمود. به طوری که اسرائیلی‌ها حسنی مبارک را «گنج استراتژیک اسرائیل» می‌خواندند و تمامی این مسائل عزت ملی اعراب و مردم مصر را خوشه‌دار نمود و نوعی تحقیر ملی را برای مردم این منطقه به همراه داشت و هم‌اکنون اعراب می‌اندیشند که شاید با حکومت‌های دموکراتیک شایسته‌تر بتوانند به حل یا تحقق خواسته‌های پایمال شده فلسطینی‌ها دست یابند.

ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی و افزایش دسترسی مردم به شبکه‌های جدید ارتباطی

یکی دیگر از دلایلی که علاوه بر دلایل مطرح شده قابل طرح و بررسی می‌باشد، افزایش دسترسی مردم به شبکه‌های جدید ارتباطی است. در حالی که طبق آمار ۲۰۰۹ مصر دارای حدود ۱۰/۳ میلیون خط تلفن ثابت است ۵۵.۳ میلیون مشترک تلفن همراه در این سال وجود داشته‌اند که این تعداد در سال ۲۰۱۰ به بیش از ۶۰ میلیون نفر رسید. همچنین تعداد کاربران اینترنت از ۲۰/۱ میلیون در سال ۲۰۰۹ به حدود ۲۲ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۰ افزایش یافت. از این رو دولت مصر در واکنش به گسترش اعتراضات کوشید خطوط تلفن همراه را دچار اختلال نماید، سرعت اینترنت را کاهش دهد و برخی پایگاه‌های اینترنتی را فیلتر نماید. (همان، ص ۱۱۸).

در نهایت می‌توان گفت که جنبش مردم مصر نشأت گرفته از اعماق لایه‌های مختلف جامعه مصر می‌باشد که با استفاده از رسانه‌های جدید، باعث شکل‌گیری امواج دامنه‌داری شده است.

نتیجه‌گیری

با بررسی جنبش مردم مصر می‌توانیم به سه عامل و متغیر اساسی در این رابطه اشاره کنیم: ۱- نابسامانی‌های اقتصادی ۲- تنگناهای سیاسی ۳- نقش ارتباطات و افزایش دسترسی مردم به شبکه‌های جدید ارتباطی.

هر سه این فاکتورها را می‌بایستی در تلفیق با یکدیگر مورد بررسی قرار داد. چرا که عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی همواره بسان حلقه‌های یک زنجیر با یکدیگر پیوند برقرار کرده و بر روی یکدیگر تأثیر مستقیم دارند. در حال حرکت‌ها و جنبش‌های اخیر در کشور مصر و دیگر کشورهای منطقه آینده‌ی روشنی را برای مردم منطقه رقم خواهد زد. در صورتی که در ادامه روندهای تغییر مشاهده مدیریت درست و خودآگاهی هرچه بیشتر ملت‌ها باشیم چرا که در نظر گرفتن هریک از این عوامل می‌تواند این جنبش‌ها را در مسیر انحرافی سوق داده و از مسیر اصلی خود دور سازد ضمن اینکه اشاره به این موضوع حائز اهمیت است که این جنبش‌ها را در حقیقت قدم‌های اولیه در مسیر تغییر می‌باشند و همچنان راه درازی برای پیشبرد اهداف اصلی تغییر در پیش رو است و بایستی برنامه‌ریزی‌ها و هوشمندی دقیقی در این رابطه صورت پذیرد. جامعه، جامعه بزرگ و پیچیده‌ای است که در آستانه تغییر بی سابقه‌ای قرار گرفته است و پیش‌بینی آینده‌ی مصر دشوار است اما حرکت و خودآگاهی مردم مصر قابل تحسین است و نوید دهنده‌ی تغییر در جهت بهتر شدن اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مصر می‌باشد.

منابع

- بخشی، احمد، انقلاب سیاسی یا جنبش اجتماعی، ماهنامه، علوم انسانی مهرنامه، سال اول، شماره ۹، اسفندماه ۱۳۸۹.
- بیات، آصف، پسااسلام‌گرایی چیست؟، ترجمه متین غفاریان، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، سال دوم، شماره ۱۰، ویژه نامه نوروز ۱۳۹۰.
- بیات، آصف، توفان مدرنیته، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، سال دوم، شماره ۱۰، ویژه‌نامه نوروز ۱۳۹۰.
- توحید خام، محمد، دولت و دموکراسی در عصر جهانی شدن، تهران: روزنه، ۱۳۸۱.
- جک. سی، پلینو، روی آلتون، فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حسن پنتا تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۵.
- جلایی پور، حمیدرضا، جامعه‌شناسی جنبش‌های معاصر، تهران: طرح نو، ۱۳۸۱.
- حافظیان، محمدحسین، دولت، نخبگان و توسعه در خاورمیانه، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهشی، دفتر گسترش تولید علم، ۱۳۸۸.
- خسروشاهین، هادی، تولد انقلاب عربی، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، سال اول، شماره ۹، اسفندماه ۱۳۸۹.

دکمبجان، هرایر، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۸۴.

روانستان، آرزو، (۱۳۸۹)، جنبش دموکراسی خواهی در جهان و تأثیر آن بر رابطه دولت و جامعه در ایران بین سال‌های ۸۶-۷۶، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشکده علوم سیاسی دانشکده آزاد. رمضان، طارق صدای مردم و صدای تاریخ، ترجمه کاوه شجاعی، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، سال اول، شماره ۹، اسفندماه ۱۳۸۹.

زکریا، فرید، ریشه‌های انقلاب مصر، ترجمه کاوه شجاعی، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، سال اول، شماره ۱۰، اسفند ۱۳۸۹.

..... خاورمیانه عقب‌گرد نمی‌کند، ترجمه کاوه شجاعی، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، سال دوم، شماره ۱۰، ویژه نامه نوروز ۱۳۹۰.

صدرا، علیرضا، جمهوری اسلامی عربی، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، سال دوم شماره ۱۰، ویژه‌نامه نوروز ۱۳۹۰.

عیدی پور، ماکان، انترناسیونالیسم اسلامی، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، سال اول، شماره ۹، اسفندماه ۱۳۸۹. قهرمان پور، عسگر، از جنبش اسلامی تا جنبش اجتماعی، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، سال دوم، شماره ۱۰، ویژه نامه نوروز ۱۳۹۰.

.....، زندگی در نقطه صفر، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، سال اول، شماره ۹، اسفندماه ۱۳۸۹. کاظمی دینان، سید مرتضی، آینده جنبش شیعیان عربستان سعودی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، فصلنامه علمی- پژوهشی دانشکده علوم سیاسی واحد تهران مرکزی، سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۸۱. کاساگراند، روی، انقلاب پان عرب، ترجمه منادی آذر، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، سال اول، شماره ۹، اسفندماه ۱۳۸۹.

مشیرزاده، حمیرا، درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی ۱۳۸۱. مهتدی، محمدعلی، اخوانی‌ها، دموکرات‌های مسلمان، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، سال اول، شماره ۹، اسفند ماه ۱۳۸۹.

موتقی، سیداحمد، جنگ ایدئولوژی‌ها، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، سال دوم، شماره ۱۰، ویژه‌نامه نوروز ۱۳۹۰. نقیب‌زاده، احمد، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۴.

www.Aftab.ir

www.Farsnews.ir

www.irdiplomacy.ir

www.Jamejamonline.ir

www.Khabronline.Ir

www.wikipedia.com

www.hawzeh.com